

وظایف شهروندی در عصر جهانی شدن

در عصر جهانی شدن «شهروندی» از یک طرف به معنای داشتن حس مسئولیت برای جامعه خود و از طرف دیگر درک زمینه اجتماعی فرهنگی وسیعتر دهکده جهانی است.



خبرگزاری مهر- در عصر جهانی شدن «شهروندی« از یک طرف به معنای داشتن حس مسئولیت برای جامعه خود و از طرف دیگر درک زمینه اجتماعی فرهنگی وسیعتر دهکده جهانی است.

واژه شهروند مرکب از دو کلمه «شهروند« و «وند« به معنای جامعه انسانی فرهنگی و «وند« به معنای عضو وابسته است و در این جا بیانگر جزء خارجی و لازم شهر است که از این واژه مرکب، معنای انتزاعی مناسبی به دست می آید که به نوعی در خود بار عقلانی را داراست. درک هاتر (1999) در کتاب شهروندی خود تعریف زیر را به کار می گیرد:

"شهروند فردی است که درباره مسائل عمومی آگاهی دارد. نگرش هایی در مورد فضیلت مدنی به او القاء می شود و مجهز به مهارت هایی برای مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی است." شهروندی به عنوان برآیندی از جامعه مدنی مطرح است.

شهروند کسی است که از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی خود را انجام می دهد. شهروندی راههای زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می کند، بنابراین زندگی شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی شود.

بی گمان آموزش شهروندان خوب یکی از مهم ترین دل مشغولی های اکثر نظام های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیاست. مطالعات و پژوهش های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه های آموزشی متنوع، تربیت شهروند مناسب را در صدر اقدامات و فعالیت های خود قرار داده اند.

برای مثال همان طور که در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی "انجمن بین المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی" آمده است، تمامی جوامع معاصر دارای این نگرانی و دل مشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی شهری و شهروندی آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند.

"دی توماس" (2004) نیز ویژگیهای شهروندان موثر و کارآمد برای قرن بیست و یک را اینگونه بیان نموده است: به همکاری مداوم با یکدیگر می پردازند؛ اصول عدالت اجتماعی را برای هدایت و راهنمایی اعمال خود تدوین می نمایند؛ به روش انتقادی و سیستماتیک فکر می کنند؛ تفاوت های فرهنگی را درک می کنند و از آنها می آموزند؛ مسائل و مشکلات جهانی را بررسی و ارزیابی می نمایند؛ اختلافات را بدون خشونت حل می کنند؛ سبک زندگی خود را برای محافظت از محیط زیست تغییر می دهند؛ حقوق بشر را می شناسند و از آن حمایت می کنند؛ شهامت ساختن آینده ای خوب را دارند و در این راه تلاش می نمایند؛ در امور سیاسی دموکراتیک مشارکت می کنند.

مهارتها و ویژگیهای ارائه شده، جملگی مهارتهایی هستند که شهروند قرن بیست و یک را برای داشتن زندگی موثر، ملزم به یادگیری و به کار بردن هر یک از آنها در عمل می نماید. به طوری که یک شهروند موفق، مطلوب و کارآمد قرن بیست و یک شهروندی است که دارای انواع مهارتها، ویژگیها و توانایی ها باشد و به عبارتی یک «شهروند حرفه ای« باشد. یعنی شهروندی که بتواند حقوق و مسئولیتهای شغلی و حرفه ای خود را درک نماید، در گفتمان ها و انجمنهای اجتماعی مشارکت کند، درصدد ارتقای دانش، مهارتها و نگرشهای خود باشد، توانایی نقد و ارزیابی اطلاعاتی که دریافت می کند را داشته باشد و همچنین کارآفرین، مولد، خلاق و تولید کننده باشد.

بنابراین می توان گفت در عصر جهانی شدن که «شهروندی« از یک طرف به معنای داشتن حس مسئولیت برای جامعه بومی خود و از طرف دیگر درک زمینه اجتماعی - فرهنگی وسیعتر دهکده جهانی است. «ارتباط« و «اطلاع« و «آموزش« سه ابزار اصلی است که به کمک آنها می توان طرز فکر و طرز رفتاری را کسب نمود که برای زندگی و کار در جهانی که به صورتی فزاینده متنوع و چند-فرهنگی است ولی به نظر می رسد تکثر و همبستگی گروهی در آن کمتر تحمل می شود، ضروری است.

اگر جامعه به شهروندان مفید و مؤثر نیاز دارد، پس باید مطمئن شود که این شهروندان از طریق فرصت هایی برای اکتساب مهارتها، توانایی ها و اطلاعات ضروری تربیت می شوند.